



کنفرانس در برلین با حضور شخصیت‌ها و نمایندگان مجلس آلمان

۱۹ بهمن ۱۴۰۴

مریم رجوی: سرنگونی رژیم آخوندی اجتناب‌ناپذیر است

دوستان گرامی!

از دیدار با شما در برلین خوشحالم.

در ابتدا ادای احترام می‌کنم به پروفیسور ریتا زوسموت فقدان او برای من و اعضای مقاومت ایران بسیار غم‌انگیز است.

به مدت دو دهه او مدافع حقوق مردم ایران برای کسب آزادی و دموکراسی بود. حامی بزرگ جنبش مقاومت و خواهر عزیز و بزرگواری برای من، متفکری که در سخنرانی‌ها نوشته‌ها و کتاب‌هایش و از همه مهم‌تر در عمل سیاسی‌اش راه نویی را بنیاد گذاشت که آغشته به مماشات با دیکتاتوری نبود. از آن انسان‌های اثرگذار و نادری که جهان امروز حقیقتاً نیازمند وجود آنهاست. به یاد او یک دقیقه سکوت می‌کنیم.

دگرگونی بزرگ

در تاریخ ایران از گذشته‌های دور تا امروز هیچ زمانی به این اندازه خطیر و توفانی نبوده است. ایران و منطقه خاورمیانه در کانون یک دگرگونی بزرگ است. این دگرگونی خود را در شکست استراتژی رژیم در منطقه، در جنگ، در قیام بزرگ دی‌ماه و بیش از همه در کشتار جمعی مردم توسط رژیم نشان می‌دهد. این زلزله‌یی است که هم‌چنان ادامه دارد و خامنه‌ای به‌رغم جنایت‌هایش محال است بتواند رژیم ولایت فقیه را حفظ کند.

قیام قابل پیش‌بینی بود

این روزها بحث و بررسی درباره مسأله ایران و چشم‌اندازهایش در گروهی سه سؤال است:

اول - آیا تغییر نظام سیاسی در ایران اجتناب‌ناپذیر شده است؟

دوم - اگر چنین تغییری ضروری است، چگونه می‌توان به آن دست پیدا کرد؟

و سوم این که در فردای سرنگونی چطور می‌توان مانع هرج و مرج شد؟

قیام دی، پاسخ‌های قاطع و عمیقی به این سئوال‌ها داده است. در این قیام توده‌های مردم در تمام ۳۱ استان کشور بپاخاستند. شعارها خصلت سیاسی داشت. به‌طوری که از اولین ساعت‌ها فریادها علیه دیکتاتوری بود و مردم سرنگونی خامنه‌ای را درخواست می‌کردند.

قیام دی با قیام‌های سال‌های گذشته دو تفاوت چشمگیر داشت:

اول این که به میزان قابل توجهی سازمان‌یافته بود و دیگر این که جوانان شورشگر در دفاع از معترضان به مقابله با پاسداران رو آوردند و در پاره‌یی موارد آن‌ها را خلع سلاح کردند.

وقایع این قیام نشانه‌های مهمی از این واقعیت را بارز کرد که سرنگونی رژیم اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این که:

۱ - این قیام قابل پیش‌بینی بود. رهبر مقاومت ایران، مسعود رجوی، در ۲۷ آبان یعنی چند هفته قبل از شروع اعتراض‌ها اعلام کرد: «جبهه خلق در وضعیت یک گام تا قیام است». مقام‌های حکومتی هشدار می‌دادند که خشم مردم در حال انفجار است. با این حال رژیم نتوانست حتی یک گام در جهت کاهش نارضایتی‌های مردم بردارد.

رئیس‌جمهور رژیم به‌رغم ادعای اصلاح‌طلبانه در دوره کوتاه ریاست خود، به چهار اقدام دست زد که اعتراضات زیادی برانگیخت. گرانی بنزین، گرانی گندم، حذف سوبسید کالاهای پایه و افزایش قیمت ارز خارجی که وضعیت را انفجاری‌تر کرد.

رژیم با شنیدن صدای پای قیام به یک سرکوب بزرگ رو آورد.

۲ - بازار تهران این‌بار نقطه شروع اعتراض‌ها بود. نشان داده شد که بازار هم از ادامه «وضع موجود» ضرر می‌کند. به‌خصوص که روزانه می‌شنوند که رئیس‌جمهور رژیم در تریبون‌های رسمی تصریح می‌کند: که «هیچ راه‌حلی» برای حل مشکلات ندارد.

۳ - مهم‌ترین تحول یعنی کشتار جمعی در قیام دی‌ماه، اثبات می‌کند که روند سرنگونی این رژیم یک مسیر بی‌بازگشت و اجتناب‌ناپذیر است.

رژیم ترکیبی از عملیات سرکوب را با طراحی معین و به صورت برنامه‌ریزی شده به اجرا گذاشت. به‌طوری که یک ضربه سنگین را با شدت و سرعت به مردم کوچه و خیابان وارد کرد. هدف اصلی‌اش هم این بود که بتواند مردم را بترساند و از صحنه خارج کند. انواع قساوت‌های وحشت‌آور را مرتکب شد. مثل شلیک به سر و تنه انسان‌های بی‌دفاع، تیر خلاص زدن به مجروحان یا هجوم به بیمارستان‌ها و کشتن دختران و پسران نوجوان و کودکان معصوم.

این واقعه نشان داد که رژیم توان حکمرانی را از دست داده و فقط با کشتار انبوه می‌تواند خود را حفظ کند.

۴ - خامنه‌ای در دل این قساوت و خونریزی بی‌حد و مرز قیامی بزرگ‌تر و آتشین‌تر را انتظار می‌کشد. امروز

حتی به اصطلاح اصلاح طلبانی که سال‌هاست از موجودیت رژیم دفاع می‌کنند، اعلام کرده‌اند که: اصلاحات در این حکومت به بن‌بست رسیده است و هیچ ثمری ندارد.

قیام‌دی، به این سؤال که تغییر در ایران چگونه امکان‌پذیر است، پاسخ داد. چون نشان داد که زیر سلطه این سرکوب بی‌رحمانه و دائمی شکل‌گیری یک قیام انبوه در تلفیق با یک نیروی سازمان‌یافته امکان‌پذیر است.

ضرورت به رسمیت شناختن نبرد جوانان شورشگر با پاسداران تروریست

۲۲ سال پیش در یک سخنرانی در پارلمان اروپا تأکید کردم که: نه مماشات پاسخ مسأله ایران است و نه جنگ. تنها راه، سرنگونی رژیم توسط مردم و مقاومت سازمان‌یافته است.

شکست سیاست مماشات و خسارت‌بار بودن آن سال‌هاست که به اثبات رسیده است. مماشات یکی از مهم‌ترین موانع تغییر در ایران بوده است. لیست‌گذاری مجاهدین توسط دولت‌های غرب که به خواست رژیم صورت گرفته، از این شمار است.

هم‌چنین بمباران مراکز مجاهدین در منطقه مرزی عراق و جمع‌آوری سلاح‌های ارتش آزادی‌بخش در سال ۲۰۰۳ باعث شد که نیروی آماده‌یی که می‌توانست رژیم را به‌زیر بکشد یا مانع بزرگی در برابر دست‌اندازی‌های منطقه‌یی آن ایجاد کند، به نفع فاشیسم دینی به بندکشیده شود. این فقط به نفع فاشیسم دینی بود. تحولات یکسال اخیر در ایران و تحولات دو دهه گذشته در منطقه، این حقیقت را هم به خوبی نشان داد که جنگ خارجی قادر به حل مسأله ایران و تغییر رژیم و جایگزینی آن با یک نظام دموکراتیک نیست.

نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران یک قدم ضروری در فاصله گرفتن از مماشات بود که با سال‌ها تأخیر انجام شد. مقاومت ایران از سال‌ها پیش بر آن اصرار و تأکید کرده بود. حالا باید مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد جوانان شورشگر با پاسداران تروریست به رسمیت شناخته شود.

تبلیغ برای بازگشت به گذشته در خدمت رژیم

علاوه بر سرکوب و وحشیانه قیام دی‌ماه، مردم ایران با یک عامل مخرب دیگر نیز مواجه بودند.

در ماه‌های اخیر برخی محافل و رسانه‌ها با مهندسی و به‌کارگیری جعل و تقلب در فضای مجازی تلاش کرده‌اند پسر شاه سابق را آلترناتیو معرفی کنند.

شماری از رسانه‌ها و نیز مؤسسات امنیت سایبری با گزارش‌های افشاکننده پشت پرده سیاسی و اطلاعاتی تولید حساب‌های جعلی در شبکه اجتماعی و شیوه‌های ساختگی برای برجسته‌سازی این جریان را نشان داده‌اند.

در خارج از فضای مجازی، در دنیای واقعی، این جریان فاقد هرگونه توان سازمانی و تشکیلاتی در روی زمین به‌ویژه در داخل کشور است.

این مهندسی با هر هدفی که صورت گرفته باشد، در عمل علیه قیام بود. پسر شاه نه تنها از دیکتاتوری تک حزبی و منفور پدرش فاصله نمی‌گیرد، بلکه برنامه‌هایش عملاً بازسازی همان دیکتاتوری، با افزودن وجوهی از دیکتاتوری آخوندی است.

چشم انداز آینده

برخی می‌پرسند پس از سقوط رژیم چه می‌شود؟ می‌پرسند چه تضمینی وجود دارد که هرج و مرج نشود؟ این سؤال به‌خصوص به این دلیل موضوعیت پیدا کرده که در همین قرن جهان شاهد تجربه‌های اسفبار عراق یا لیبی بوده است. در مورد ایران، عوامل متعددی وجود دارد که می‌تواند اوضاع را در بعد از سرنگونی در یک مسیر دموکراتیک و به‌سامان هدایت کند.

مهم‌ترین آن وجود یک جایگزین دموکراتیک معتبر و دیرپا یعنی شورای ملی مقاومت است. این جایگزین، متکی است به یک شبکه گسترده از اعضای خود در شهرهای ایران. بنابراین قرار نیست که «روز بعد» از سرنگونی، تازه این مقاومت از صفر شروع کند.

قابلیت این جایگزین هم‌چنین این است که در میان نیروها و احزاب مختلف می‌تواند، محور وحدت باشد و ملیت‌های گوناگون و هم‌چنین پیروان مذاهب مختلف را حول هدف مشترکی که برپایی یک جامعه دموکراتیک است، گردهم آورد.

همین امروز، در میدان عمل، شورای ملی مقاومت با بسیاری از گروه‌های مبارز روابط نزدیکی دارد، در اساسی‌ترین دیدگاه‌ها و مشخصاً در مرزبندی با شاه و شیخ، اشتراک نظر دارند و گام‌های مبارزاتی مشترکی بر می‌دارند.

در مورد برنامه آینده نیز باید بگویم که طبق برنامه شورای ملی مقاومت، در فردای سرنگونی رژیم، چند گام اساسی و فوری باید برداشته شود: فوری‌ترین آن تشکیل یک دولت موقت است. که حداکثر شش ماه عمر دارد و در این فرصت، موظف به برپایی انتخابات برای تشکیل مجلس مؤسسان است. به‌دنبال قیام دی‌ماه برای اولین بار با واکنش‌های سیاسی فوق‌العاده‌یی مواجهیم که گواه پذیرش موقعیت سرنگونی رژیم توسط جامعه بین‌المللی است. اشاره من به موضع‌گیری‌های دولتمردان ارشد آلمان است که با نگرش واقع‌بینانه‌یی بر پایان کار رژیم تأکید کردند. وقتی که این رژیم سرنگون شود یک ایران آزاد و دموکراتیک می‌تواند روابط سیاسی و اقتصادی عادلانه را به شکوفاترین موقعیت ارتقا دهد و نقطه ثقل صلح و آرامش در منطقه و میان منطقه و اروپا و جهان باشد.

حالا که رهبران جهان صدای قیام خونبار ایران را شنیده‌اند انتظار می‌رود به خواست‌های حق طلبانه مردم

ایران و مقاومت ایران هم گوش بدهند و آن را هر چه سریع‌تر عملی کنند.
خواست‌هایی که من دیروز هم در اجتماع بزرگ ایرانیان گفتم:

- ۱- به رسمیت شناختن مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد جوانان و کانون‌های شورشی با آدم‌کشان و نیروهای سرکوبگر خامنه‌ای و رژیم آخوندی
- ۲- اقدام فوری شورای امنیت ملل متحد برای ممانعت از اعدام زندانیان قیام و زندانیان سیاسی و حمایت از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که بیش از دو سال است که ادامه دارد
- ۳- ایجاد تسهیلات برای دستیابی مردم به اینترنت آزاد
- ۴- ارجاع پرونده خامنه‌ای و سایر سران رژیم به شورای امنیت سازمان ملل برای محاکمه در یک دادگاه بین‌المللی به خاطر جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی و همزمان پیگرد قضایی آن‌ها در دادگاه‌های ملی کشورها براساس اصل صلاحیت جهانی
- ۵- تعطیلی سفارت‌های رژیم و اخراج دیپلمات‌ها که باید به آن‌ها گفت دیپلمات تروریست و مزدوران سپاه و وزارت اطلاعات در اکثر کشورها
- ۶- قطع کامل شریان‌های مالی رژیم آخوندی
این‌ها حداقل خواست‌های مردم و مقاومت ایران است.